

دکتر محمد آشوری*

گزارش کل همایش بین‌المللی مواد مخدر تهران اردیبهشت ۱۳۷۹**

از مجموع مقالات، سخنرانی‌ها و پرسش و پاسخ‌هایی که در طی نشست سه روزه با شرکت استادان، قضات و صاحب‌نظران مسائل جنایی به عمل آمد، این نتیجه کلی حاصل شد که تقریباً همه کشورهای که با معضل مواد دست به‌گیریانند، بین سیاست جنایی حاکم بر تولید، ساخت، قاچاق و توزیع مواد مخدر از یک سو و شیوه برخورد با مصرف‌کنندگان مواد مخدر از سوی دیگر، قائل به تفکیک می‌شوند و با استفاده از تجربیات و آخرین دستاوردهای دانش جرم‌شناسی، در برخورد با هر یک از این دو گروه قواعد و مقررات متفاوتی را لازم و ضروری می‌دانند. همین تفکیک در زمینه مبارزه با مواد مخدر در سیاست جنایی بین‌المللی نیز مشهود است. جمع‌بندی به‌دست آمده در این همایش را می‌توان در سه گفتار و تحت سه عنوان زیر ارائه داد:

۱. ضرورت گرایش به سوی جهانی شدن قوانین و مقررات؛
۲. سیاست جنایی ناظر به مواد مخدر در سطح داخلی کشورها؛
۳. آیین رسیدگی و قواعد لازم‌الرعايه.

* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

** این سخنرانی در جلسه اختتامیه همایش بین‌المللی مواد مخدر توسط نویسنده ارائه گردیده است.

گفتار اول. ضرورت گرایش به سوی جهانی شدن مقررات ناظر به تولید، ساخت، قاچاق و توزیع مواد مخدر

به گونه‌ای که می‌دانیم، قاچاق مواد مخدر از زمره جرائم سازمان‌یافته است و اغلب از سوی کسانی ارتکاب می‌یابد که در خارج از مرزها به سر برده و اصولاً خود به مصرف آن نمی‌پردازند. لذا، جهانی شدن تجارت، گسترش فن‌آوری ارتباطات، تبدیل جهان به دهکده‌ای کوچک به تعبیر مک‌لوهان و استفاده از امکانات پیشرفته فنی از سوی سازمان‌دهندگان و تشکیلات بزهکاری، برای دولت‌ها چاره‌ای جز همکاری گسترده در سطح بین‌المللی و به‌ویژه منطقه‌ای باقی نمی‌گذارد. ضبط و مصادره مواد مخدر، به عنوان اموال ناشی از ارتکاب جرم قاچاق، هر چند به نوبه خود می‌تواند تهدیدی برای این‌گونه اعمال تلقی گردد، لیکن سودهای چند صد میلیارد دلاری ناشی از تجارت مواد مخدر مانع از آن است که سوداگران مرگ را بسهولت از ادامه اعمال تبهارانه خود منصرف کند.

الف. تطهیر پول

کشورهای مختلف درگیر با مواد مخدر بتدریج در دو دهه اخیر گام‌هایی را در جهت مبارزه و به‌ویژه پیشگیری از ورود مواد مخدر در زمینه ممانعت از تطهیر پول‌های پلشت و دلارهای آلوده به مواد مخدر برداشته‌اند. نظر به اینکه پاکسازی و تطهیر پول همچون خونی است که برای ادامه حیات و فعالیت‌های گسترده باندهای قاچاق مواد مخدر لازم است، لذا ضروری است که در سطح بین‌المللی با شیوه‌های مختلف آن، از قبیل جلوگیری از خارج کردن پول‌های ناپاک از مرز یک کشور با هدف انتقال و در نهایت تطهیر آن در کشوری دیگر، افتتاح حساب‌های بانکی جعلی (از برخی گزارش‌ها چنین بر می‌آید که امکان تأسیس بانک در برخی کشورها حتی با یکصد هزار دلار سرمایه اولیه امکان‌پذیر است)، استفاده از بازارهای هنری (از قبیل خرید تابلوهای نقاشی سفارشی به تعداد زیاد به قیمت ارزان و سپس ادعای فروش آن به قیمت‌های گزاف) و مانند آن، به مبارزه جدی پرداخت. در راستای تحقق چنین اهدافی است که در سال ۱۹۸۶ در آمریکا، «قانون تطهیر پول یا پول‌شویی» به تصویب می‌رسد و به دنبال آن در سال ۱۹۹۴

قانون سرکوب و مبارزه با پول‌شویی، بانک‌ها را موظف به ارائه گزارش‌های لازم در مورد معامله‌های ارزی می‌کند. افزون بر آن، بانک‌ها در این کشور موظف گردیده‌اند تا منشأ پول‌ها و درآمدهای زائد بر ۱۰/۰۰۰ دلار را از مشتریان خود جویا شوند. در فرانسه نیز، در جهت تحقق اهداف مبارزه با تطهیر پول‌های ناپاک، نهادی موسوم به Tracfin - که وابسته به وزارت اقتصاد است - به وجود آمده است.

در این کشور، در سال ۱۹۸۷ قانون مربوط به مجازات تطهیر پول به تصویب رسیده است و بانک‌ها موظف شده‌اند تا هرگونه سوءظنی را نسبت به سپرده‌های مشتریان خود، حسب مورد، پیش یا پس از هرگونه نقل و انتقال، به نهاد مذکور گزارش دهند. مقررات این قانون در سال ۱۹۹۶ نسبت به هرگونه درآمد ناشی از ارتکاب جنحه و جنایت تسری یافته است. با این همه، در مرحله اجرا نباید مقاومت بانک‌ها را به استناد ضرورت حفظ راز شغلی یا به دلیل این ادعا که این‌گونه سرمایه‌ها به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کنند، در راه موفقیت این‌گونه قوانین، نادیده گرفت.

به این دو مطلب مهم اخیرالذکر، باید سودی را که از طریق نقل و انتقال سرمایه‌های ناپاک عاید بانک‌ها می‌شود و بین ۳ تا ۱۵ درصد نوسان است، افزود (برای نمونه؛ در فرانسه در یک مورد که منشأ ناپاک پول کشف و برملا شد، صاحب حساب برای انتقال ۳۰۰ میلیون دلار، مبلغ ۳ میلیون دلار به بانک پیشنهاد نموده بود). در حقوق داخلی کشورها نیز گام‌هایی در جهت کنترل درآمدهای ناپاک برداشته شده است. افزون بر اصل چهل و نهم قانون اساسی، می‌توان به تصویب‌نامه هیأت وزیران در ارتباط با ضرورت اعمال کنترل‌های لازم از سوی بانک‌ها در خارج از کشور نسبت به ارزهای انتقالی اشاره کرد. با این همه، نظر شرکت کنندگان بر عدم تکاپوی این‌گونه مقررات بود و بنابراین، ضروری است که هر چه زودتر قوانین و ضوابط مورد نیاز جهت جلوگیری از هرگونه تطهیر پول‌های ناپاک و مبارزه با درآمدهای نامشروع، به‌ویژه با شروع تأسیس بانک‌های خصوصی در ایران، تدوین و به مرحله اجرا گذاشته شود.

ب. ضرورت توسعه تعاون قضائی

افزون بر اقدام‌های ناظر به جلوگیری از تطهیر پول - که هم جنبه پیشگیرانه دارد و هم

جنبه سرکوب‌گرانه - ضرورت گسترش تعاون قضائی بین‌المللی را باید از جمله اقدام‌های بین‌المللی و به‌ویژه منطقه‌ای در زمینه مبارزه با مواد مخدر تلقی کرد. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸، در ماده ۶ به استرداد مجرمان و در ماده ۷ به معاضدت قضائی بین‌المللی و سرانجام در ماده ۸ به مسأله مهم و قابل توجه انتقال دادرسی، پرداخته است. به گونه‌ای که می‌دانیم، دولت ایران به کنوانسیون ملحق شده و قانون الحاق نیز به تصویب قوه مقننه رسیده است. در عمل نیز، دولت ایران در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای، با برخی کشورها، از جمله ترکیه، به انعقاد قراردادهای دوجانبه پرداخته است. در همایش، اعضای شرکت‌کننده از کشور ترکیه، که اغلب از محافل دانشگاهی این کشور بودند، به اصرار پیشنهاد تشکیل کمیسیون مورد توافق را ارائه کردند.

ج. ضرورت استفاده از فن‌آوری‌های نوین طاعات فرنگی

در این گردهمایی، ضرورت استفاده از فن‌آوری مدرن به منظور کشف مواد مخدر به تفصیل مورد بحث قرار گرفت؛ از جمله مواردی که مورد توجه قرار گرفت، ضرورت دستیابی و استفاده از ابزارها و دستگاه‌هایی بود که در هر ۳۰ ثانیه قادر به بازرسی بدنی یک نفر هستند و نیز اشعه ایکس و اشعه گاما که قادر به تشخیص و کشف مواد مخدر جاسازی شده، به‌ویژه در کامیون‌هاست. برای مثال، بر این مهم تأکید شد که کشورهای صنعتی تولیدکننده این‌گونه ابزارها، باید هرگونه مانعی را از راه فروش این تجهیزات به دولت ایران و برقراری آنها در این کشور - که یکی از بزرگ‌ترین مبارزات را در طول مرزهای گسترده خود علیه سوداگران مرگ سامان داده و همه عواقب و از جمله خسارات فراوان جانی و مالی را تحمل می‌کند - برطرف نمایند. در غیر این صورت، ممکن است، این شبهه ایجاد شود که تحریم این‌گونه تجهیزات با هدف حمایت از سازمان‌های تبهکاری بین‌المللی صورت می‌پذیرد. متأسفانه، نظام سیاسی افغانستان و ارتباط بین بازارهای قاچاق مواد مخدر و قاچاق اسلحه و نقش کشورهایی که داعیه مبارزه با مواد مخدر را دارند، در استمرار وضعیت موجود در افغانستان، آن‌گونه که باید،

مورد توجه قرار نگرفت. با این همه، شرکت‌کنندگان بر ضرورت این موارد تأکید کردند:

۱. ایجاد بانک اطلاعاتی منطقه‌ای در ارتباط با مجرمان مواد مخدر، ۲. کاستن از تشریفات استرداد مجرمان در جرائم مواد مخدر، ۳. تأسیس نیروی ویژه مبارزه با مواد مخدر همراه با آموزش‌های لازم جهت استفاده از جدیدترین تجهیزات علمی - کاربردی، ۴. تأسیس مؤسسه‌ای تحقیقاتی با همکاری ستاد مبارزه با مواد مخدر، اکو و سازمان ملل متحد (Undcp) در ایران و ۵. گنجاندن دو واحد حقوق مواد مخدر در برنامه درسی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشکده‌های حقوق. همچنین، پیشنهاد شد که شورای سیاستگذاری و دفتر همایش، امکان برقراری ارتباط مستقیم و مستمر بین قوه قضائیه و محققان را فراهم ساخته تا نتایج دستاوردهای این گردهمایی مورد استفاده قرار گیرد. برای نیل به این اهداف، نظر مسئولان قوه قضائیه بر این بود که دبیرخانه همایش به طور مستمر به فعالیت‌های علمی - تحقیقی خود ادامه دهد تا از این طریق، راهکارهای علمی و دستاوردهای فنی مورد استفاده در کشورهای دیگر در مقابله با معضل مواد مخدر، بررسی و مورد استفاده قرار گیرد.

هر چند مواد مخدر بلیه‌ای است که اوضاع اقتصادی، سیاسی و به‌ویژه امنیت جوامع را تهدید می‌کند و به این اعتبار، معاضدت و همکاری بین‌المللی را ضروری می‌سازد؛ لیکن در سطح داخلی کشورها نیز مبارزه با تولید، ساخت و تجارت این مواد، به‌ویژه از نوع سخت آن، نیازمند اتخاذ یک سیاست جنایی سنجیده، علمی و کارساز است. چنین سیاستی در سطح داخلی ناگزیر باید، با دیدی متفاوت نسبت به «تجارت مواد مخدر» و «مصرف آن» بنگرد و راهکارهای مناسب با هر یک را انتخاب کند. در گفتار دوم نخست دستاوردهای این سمینار در زمینه آشنایی با شیوه‌های برخورد با «مصرف مواد مخدر» در کشورهای مختلف و سپس چگونگی مقابله کشورها با قاچاق مواد مخدر و توزیع آن، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گفتار دوم. سیاست جنایی داخلی کشورها در ارتباط با مواد مخدر

الف. مصرف مواد

در ارتباط با مصرف مواد، کشورها را می‌توان به سه گروه مختلف تقسیم کرد.

نخست، آن دسته از کشورها که مصرف مواد مخدر در آنها جرم نبوده و قابل مجازات نیست، مانند آلمان، اتریش، فنلاند و یونان. دسته دوم، کشورهایی اند که مصرف مواد مخدر در آنها از سن معینی به بالا جرم تلقی نمی‌گردد، مانند انگلستان که سن ۱۴ سالگی را برای این منظور در نظر گرفته است. و بالاخره، کشورهایی که به لحاظ قانونی مصرف مواد مخدر در آنها جرم شناخته شده است، مانند ایران، فرانسه، بلژیک، ترکیه و غیره... با این همه، نظر اغلب شرکت‌کنندگان بر این بود که برخورد کیفری، حتی در کشورهایی که در آن مصرف مواد مخدر جرم شناخته شده است، باید مؤخر بر درمان مورد توجه مقنن قرار گیرد و بنابراین، در برخی کشورها، به منظور پرهیز از برخوردهای خشن و خشک کیفری، آن را با مداخله پزشکی عجین کرده‌اند. در انگلستان، چنین برآورد شده است که یک سال زندانی کردن محکوم علیه، حدود ۳۶۰۰۰ پوند هزینه برای بودجه عمومی دربردارد. بنابراین، استفاده از جایگزین‌های مجازات حبس، به‌ویژه به صورت احکام ترکیبی مرکب از چند جایگزین حبس یا استفاده از طرح‌های اجباری درمان - که تحت عنوان «مسیر سریع» در انگلستان مطرح می‌شود - و نیز برخورد با مصرف‌کننده با مساعدت و معاضدت مددکار، پلیس و مسؤول برنامه درمان، به عنوان راهکارهای نوین درمان صورت می‌پذیرد. از مطالب اظهار شده توسط شرکت‌کنندگان از کشورهای اروپایی مشخص شد که در اغلب این کشورها، به پیروی از دیدگاه‌های الغاگرانه آقای هولسمن، دواراه حل اساسی دیگر در ارتباط با مصرف مواد مخدر پیشنهاد شده است:

الف. کیفرزدایی از مصرف

این راه حل، هر چند در برخی کشورهای اروپایی مورد تأیید جامعه مدنی نیست، لیکن در برخی دیگر از کشورها تحقق یافته و مورد توجه مسؤولان و دست‌اندرکاران مبارزه با پیامدهای ناشی از مصرف، به‌ویژه جلوگیری از گسترش بیماری ایدز، قرار گرفته است. قرار دادن سرنگ تزریق و نیز اماکن خاص در اختیار معتادان به هروئین و حتی فروش مواد در دوز و اندازه‌های مورد نیاز در محل، در ازای پرداخت روزانه مبلغی معین از سوی معتادان، از جمله راهکارهایی است که در کشورهایی مانند سوئیس و

آلمان به طور آزمایشی به آن متوسل شده‌اند. نظر به اینکه حمل مواد مخدر در همه این کشورها جرم تلقی می‌شود، ارائه مواد مورد نیاز در محل‌های مذکور، پلیس را در کشف و دستگیری توزیع‌کنندگان خرده‌پا کمک می‌کند. در این کشورها، برخی از صاحب‌نظران فقط پیشنهاد کیفرزدایی از مواد مخدرِ ملایم را ارائه می‌دهند.

ب. قانونی کردن مصرف مواد مخدر

در برخورد با مصرف‌کنندگان مواد مخدر، نظر برخی دیگر از متخصصان امر بر قانونی کردن مصرف مواد می‌باشد. منظور این است که دولت خود توزیع مواد مخدر را در دست گیرد و همانند انحصار توتون - که در برخی کشورها در انحصار دولت است - مواد مخدر و لاقل مواد مخدرِ ملایم همانند کاناویس، نیز در انحصار دولت باشد. طرفداران این راه‌حل عقیده دارند که چون به مصداق «الانسان حریص علی مانع»، مصرف‌کنندگان مواد مخدر ممکن است تا حدودی به علت همین ممنوعیت به آن روی آورند. توزیع مواد از سوی دولت هم این جاذبه را از بین خواهد برد و هم اینکه مصرف‌کنندگان را از انگ آزاردهنده بزهکاری ناشی از مصرف، که می‌تواند آنان را لاقل از نظر ذهنی از سایر شهروندان و جامعه بزه ناکرده جدا و به سوی جرائم و انحرافات دیگر براند، خلاصی دهد. افزون بر آن، طرفداران این راه‌حل بر این نظراند که توسل به چنین اقدامی، منجر به از بین رفتن قاچاق مواد مخدر خواهد شد.

با این همه، به نظر می‌رسد که با توسل به قانونی کردن مصرف مواد و قرار دادن آن در انحصار دولت، این امر بسادگی قرین موفقیت نباشد؛ چه، در این صورت، ممکن است قاچاقچیان مواد مخدر، با توجه به امکانات فراوان مالی‌ای که در اختیار خود دارند و با هدف مقابله با دولت، مواد را به قیمت‌های بسیار نازل‌تری در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند و آنگاه، دولت ناگزیر خواهد شد تا برای مقابله با سوداگران مرگ، خود مواد مخدر را به قیمتی بمراتب پایین‌تر از آنچه که برای تهیه آن پرداخته است، به فروش رساند و در این صورت، این وجه اختلاف باید از بودجه عمومی پرداخت و تأمین شود. به عبارت دیگر، در صورت اتخاذ چنین رویه‌ای، هزینه‌ی اعتماد باید بر دوش مالیات‌دهندگان گذاشته شود و به‌طور مستقیم مورد تأیید جامعه مدنی قرار گیرد! آخرین

مطلب در ارتباط با مصرف مواد مخدر اینکه، آن دسته از کشورهای اروپایی که مصرف مواد مخدر در آنها جرم تلقی شده است (مانند فرانسه)، نظر به مجری بودن قاعده «اقتضای تعقیب»، در صورتی که دادستان‌ها متهم خود را به مراکز درمانی معرفی نموده و تحت درمان قرار دهند، از تعقیب او صرف نظر کرده و پرونده وی بایگانی می‌شود. همین اختیار برای بازپرس یا قاضی تحقیق نیز پیش‌بینی شده است. راه‌حل مشابهی نیز در حقوق داخلی ایران اتخاذ شده است. بر طبق ماده ۱۵ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۷/۸/۷۶، اعتیاد جرم است ولی به کلیه معتادان اجازه داده می‌شود تا به مراکز مجازی که از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشخص می‌گردد، مراجعه نموده و نسبت به درمان و بازپروری خود اقدام کنند. به استناد تبصره ۱ ماده مذکور، معتادان در طول درمان و بازپروری از تعقیب کیفری جرم اعتیاد معاف می‌باشند. هزینه درمان نیز، بر طبق تبصره ۲ ماده ۱۵، در مورد معتادان بی‌بضاعت از سوی دولت و در مورد سایر معتادان توسط خود آنان باید پرداخت گردد. ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی اصلاحیه نیز، مقرر می‌دارد: «زمانی قرار موقفی تعقیب صادر می‌شود که متهم خود را به مراکز مقرر در این قانون معرفی کرده باشد.»

با این همه، باید توجه کرد که ممکن است عدم توسل به تعقیب مصرف‌کنندگان بزهکار به ویژه در کشورهای جهان سوم، به استناد «اقتضای تعقیب»، کاملاً امکان‌پذیر یا مفید فایده نباشد. در واقع، در اغلب این کشورها و همان‌گونه که گزارشگر پاکستانی خاطر نشان ساخت، به علت فقدان مراکز درمانی و مؤسسات ترک اعتیاد مورد نیاز (و هر چند که قانون نیز آن را پیش‌بینی نماید)، دادستان‌ها در عمل نمی‌توانند عدم تعقیب را موکول به مراجعه و معرفی معتاد به این مراکز نمایند. بنابراین، دادستان یا باید به تعقیب کیفری معتاد پردازد که در نتیجه محکومیت به حبس و زندانی شدن معتاد ممکن است به علت عدم دسترسی وی به مواد، مرگ او را به دنبال داشته باشد یا با وجود آنکه قانونگذار مصرف مواد مخدر را جرم دانسته، دادستان از هرگونه تعقیب معتاد صرف‌نظر نموده که نتیجه آن، تجمع گروهی از معتادان در میادین و معابر و تشویق کسانی است که بالقوه مستعد روی آوردن به مواد مخدر می‌باشند.

ج. مجازات تولید، ساخت، حمل و توزیع مواد مخدر

اغلب کشورها در ارتباط با ارتکاب این‌گونه جرائم، مجازات‌های سنگینی را مقرر داشته‌اند. برای نمونه، در کشور آلمان، حداکثر مجازات ۱۵ سال و در ترکیه در موارد تکرار جرم تا ۶۰ سال زندان منظور شده است. در این کشور، در موارد خاص و استثنایی، امکان صدور حکم اعدام نیز وجود دارد. سخنراناتان ایرانی به‌ویژه بر حرمت مواد مخدر و حریم آن در شریعت اسلام تأکید کرده و به استناد برخی آیات قرآن کریم، از جمله «حرمت علیکم الخبائث»، بر اتفاق شیعه و سنی بر حرام و زیانبار بودن مصرف و تجارت مواد مخدر اشاره کردند و فتاوی آن دسته از فقها را که بصراحت قائل به حرمت آن مواد بوده، بر شمردند.

با این همه، کارایی مجازات اعدام، که از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت، مورد تردید واقع شد و فاصله بین سیاست جنایی قضائی از سیاست جنایی تقنینی در ایران از جمله دلایل ضرورت تجدیدنظر در مجازات مذکور تلقی گردید. پیشنهاد برخی قضات صادرکننده احکام اعدام مبنی بر تبدیل آن به حبس ابد توسط دیوان کشور، با توجه به وضع خاص برخی از محکومان که آلت فعل تشکیلات تبهکاری خارج از کشورند، قرینه‌ای بر عدم اعتقاد قضات به این مجازات تلقی می‌گردد. ظاهراً در پاکستان نیز، از طریق تجدیدنظر در احکام اعدام و تبدیل آن به مجازات حبس، سعی بر رعایت تناسب بین جرم و مجازات می‌گردد. با این همه، رعایت تناسب فقط در مورد مجازات اعدام مدنظر نبود و ضرورت رعایت تناسب بین جرم و سایر مجازات‌هایی که در اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۷۶/۸/۱۷ پیش‌بینی شده، به‌ویژه مورد تأیید قرار گرفته و تحقق بخشیدن به آن تجدیدنظر کلی در اصلاحیه یاد شده و تدوین مقررات مورد نیاز از سوی مجلس شورای اسلامی، امری ضروری تشخیص داده شد.

گفتار سوم. آیین دادرسی مواد مخدر

الف. شیوه تحصیل دلیل

از جمله موضوعات مهمی که در این همایش مورد بحث قرار گرفت، آیین و رویه رسیدگی به جرائم مواد مخدر بود. به‌ویژه، این پرسش مطرح شد که آیا در مواجهه با

جرائم مواد مخدر، رعایت مقررات عمومی ناظر به رسیدگی‌های کیفری الزامی بوده و با مجاز است که مقررات خاص ویژه‌ای وضع و مراجع رسیدگی کیفری را مکلف به رعایت آن نمود؟ در مجموع از گزارش‌ها و سخنرانی‌های ارائه شده چنین استنباط می‌شود که رسیدگی به اتهامات مواد مخدر نیز باید تابع قواعد کلی و عمومی دادرسی باشد. با این همه، برخی کشورها در ارتباط با تجارت و قاچاق مواد مخدر، ولی نه در ارتباط با مصرف آن، تفاوت‌هایی را از لحاظ شیوه برخورد مقامات قضائی مقرر کرده‌اند یا تحدیدات بیشتری را برای حقوق و آزادی‌های متهم مقرر داشته‌اند؛ از جمله، در فرانسه، تحت نظر قرار گرفتن متهم از سوی ضابطان دادگستری - که از آن به گارد آوو^۱ تعبیر می‌شود - فقط برای مدت بیست و چهار ساعت مجاز است و در صورت صدور مجوز از سوی دادستان، می‌تواند تا ۲۴ ساعت دیگر، یعنی در مجموع ۴۸ ساعت، ادامه یابد و حال آن‌که این مدت در مورد قاچاق مواد مخدر می‌تواند تا ۴ روز تمدید شود. هم چنین، در ارتباط با بازداشت متهم در طول تحقیقات مقدماتی^۲ و با وجود این که دکترین و قانونگذار تأکید بر استثنایی بودن بازداشت موقت دارد و این موضوع تا حد امکان در جرائم عمومی نیز رعایت می‌گردد، رویه عملی مقامات قضائی فرانسه بر این است که بازداشت موقت متهمان به قاچاق مواد مخدر تا روز رسیدگی ادامه یابد.

یکی دیگر از موضوعاتی که مورد بحث و مذاقه قرار گرفت، در ارتباط با شیوه تحصیل برخی دلائل از سوی پلیس بود. آیا پلیس مجاز است که به‌طور مستقیم و با استفاده از عوامل و مخبرینی که در اختیار دارد، خود وارد معامله‌های مربوط به مواد مخدر به منظور کشف جرم و دستگیری مجرم شود؟ علت تشکیک این است که پلیس، بر طبق قواعد آیین دادرسی کیفری، موظف به کشف جرم است و بنابراین، خود نباید به‌وجودآورنده «اراده مجرمانه» و «بزهکار» باشد. به عبارت دیگر، پلیس باید بکوشد تا نقاب از چهره کسانی که پیش‌تر دست به ارتکاب جرم زده‌اند، بردارد نه اینکه خود به تکوین اندیشه بالقوه مجرمانه که ممکن است نزد برخی اشخاص وجود داشته باشد، مساعدت نماید.

1. Garde à Vue.

2. La détention préventive.

با این همه، به نظر می‌رسد که در بسیاری از کشورها، قانونگذار، با توجه به واقعیات موجود و به جای نهی ضابطان از توسل به این‌گونه اقدام‌ها، سعی در قانونمند ساختن آن نموده است. در ایتالیا، پلیس موظف گردیده تا در صورت توسل به شیوه فوق‌الذکر، بلافاصله مراتب را به‌گونه‌ای تفصیلی، به اطلاع مقامات قضائی برساند؛ و حال آنکه، در برخی دیگر از کشورها، مانند فرانسه، پلیس مجاز نیست تا بدون کسب اجازه قبلی از دادستان یا بازپرس، خود وارد معاملات مواد مخدر گردد.

افزون بر آن، اقدام‌های پلیس در زمینه مواد مخدر، چنانچه بدون کسب اجازه لازم صورت پذیرد، منجر به ابطال اقدام‌های انجام شده و دلائل به دست آمده نخواهد شد. نهایت اینکه، پلیس خود ممکن است به اتهام قاچاق مواد مخدر، تحت تعقیب قرار گیرد.

موضوع مهم دیگر، تفتیش منزل در جرائم قاچاق مواد مخدر است. به گونه‌ای که می‌دانیم، تفتیش باید در روز و با اجازه مقام قضائی یا مسؤولان ذی‌ربط صورت پذیرد. ولی، در برخی کشورها، تفتیش منزل، به دستور مقام قضائی در جرائم مواد مخدر، شب‌ها نیز تجویز شده است.

ب. ارزش اثباتی برخی دلائل

یکی از موضوعات مهمی که در سطح بین‌المللی و به‌ویژه در کشورهای اروپایی توجه حقوق‌دانان و مراجع رسیدگی کیفری را به خود جلب کرده است، ارزش شهادت کسانی است که مایل نیستند تا هویت و آدرس آنان برای متهم فاش شود و باصطلاح علاقه‌منداند تا به صورت anonymes باقی بمانند و در نتیجه، امکان رودرویی و مواجهه آنان با متهم برای قاضی پرونده نیز وجود ندارد. بر طبق بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هر متهمی حق دارد شهود خود را مورد پرسش قرار دهد که به‌طور عملی و در اتهامات مهم این امر توسط وکیل مدافع صورت می‌پذیرد. مستفاد از رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، که در شهر استرازبورگ فرانسه مستقر است، در مورد شهود فوق‌الذکر، باید: اولاً، دلائل دیگری غیر از اظهارات شاهد نیز در پرونده امر برای صدور حکم محکومیت وجود داشته باشد؛ ثانیاً، معتبر و موثق بودن شاهد را یک مقام قضائی

تأیید کند؛ و ثالثاً، برای متهم یا وکیل وی این امکان وجود داشته باشد که با وجود عدم امکان رودرویی با شاهد، لااقل اظهارات وی را مورد تردید قرار دهند. بنابراین، در حقوق برخی کشورها، مانند هلند، رویه بر این است که قاضی تحقیق، شاهد آنویم را در اتاق دیگری مورد تحقیق و پرسش قرار می‌دهد و سپس مطالب ضبط شده را به اطلاع متهم یا وکیل او که در اتاق دیگر مستقر شده‌اند، می‌رساند و بعد از آن ایرادات و انکار متهم را به شاهد منعکس می‌نماید و این شیوه تا هنگامی که دیگر پرسشی برای دفاع (متهم و وکیل او) وجود نداشته باشد، ادامه می‌یابد.

ج. صلاحیت ذاتی مراجع رسیدگی

نسبت به این امر که آیا باید مراجع خاصی رسیدگی به اتهامات مربوط به مواد مخدر را مورد رسیدگی قرار دهند یا این‌گونه دعاوی باید در مراجع عمومی دادگستری مطرح گردد، نیز شبهاتی مطرح گردیده است. هر چند اصل بر صلاحیت مراجع عمومی است و دلیلی برای این که مراجع خاصی رسیدگی به اتهام‌های مربوط به مواد مخدر را عهده‌دار شوند، وجود ندارد، با این همه، در برخی کشورها، مانند پاکستان و ایران (دادگاه انقلاب)، رسیدگی در دادگاه‌های خاص صورت می‌پذیرد و در برخی کشورها، مانند اسپانیا، رسیدگی به این نوع اتهام‌ها در دادگاه‌های عمومی مرکز حکومت یا پایتخت، و نه در مراجع عمومی شهرستان‌ها، انجام می‌شود. در حقوق انگلیس، با توجه به ساختار خاص قضائی این کشور، متهم مجاز است بین دادگاه‌های مجستریت - که رسیدگی در آن بدون حضور هیأت منصفه صورت می‌پذیرد - و دادگاه‌های کراون (دیوان جنایی) - که با مشارکت هیأت منصفه تشکیل می‌شود - انتخاب نماید.

با وجود همه این مطالب، تردیدی وجود ندارد که در کلیه رسیدگی‌های مربوط به مواد مخدر، «اصول کلی آیین دادرسی کیفری» باید، همانند رسیدگی به سایر اتهام‌ها، رعایت شود. مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از:

۱. انجام محاکمه به شیوه قانونی و با رعایت تمامی ضوابط پیش‌بینی شده در قانون که از آن در حقوق انگلوساکسون به *A due process of law* تعبیر می‌شود. افزون بر آن، حقوق‌دانان انگلیس معتقداند که اجرای عدالت نه فقط قانونی، که باید مشهود و مورد

تأیید جامعه مدنی نیز باشد:

The Justice must not only to be doane but also to be dune

۲. بنابراین، رعایت کامل حقوق دفاعی متهم و از جمله حق استفاده از وکیل مدافع، باید تضمین گردد؛

۳. ضرورت ترافعی بودن تحقیقات مقدماتی و رسیدگی و اطلاع متهم و وکیل مدافع وی از دلائلی که علیه متهم وجود دارد و امکان پرسش از شهود برای متهم و وکیل او فراهم گردد؛

۴. احکام صادره در زمینه مواد مخدر باید مستدل و مستند به ماده یا مواد قانونی باشد و پیش از ارتکاب، به تصویب قوه مقننه کشور رسیده باشد؛

۵. ضرورت پذیرش حق تقاضای تجدیدنظر از احکام محکومیت برای محکوم علیه. تقاضای تجدیدنظر باید به عنوان حقی برای محکوم علیه و نه امتیازی که ممکن است از سوی مسؤلان قضائی اعطا شود، مطرح شده و بر آن تأکید گردد. بند ۵ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که به تصویب قوه مقننه ایران نیز رسیده و حداقل واجد ارزشی معادل قوانین موضوعه عادی است، مقرر می‌دارد: «هرکس مرتکب جرمی شود، حق دارد که اعلام مجرمیت او توسط دادگاه عالی تری، بر طبق ضوابط قانونی، مورد رسیدگی و تجدیدنظر قرار گیرد»؛

۶. توصیف صحیح کیفی از عمل مجرمانه و نیز تعیین دقیق محل وقوع جرم و کشف مواد مخدر، به‌ویژه در نقاط مرزی.

در خاتمه، هم در ارتباط با مصرف مواد مخدر و هم در آنچه که مربوط به قاچاق و توزیع این مواد است، به‌ویژه بر اتخاذ روش‌های پیشگیرانه و نیز سیاست جنایی مشارکتی و دخالت جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی (N.G.O) و استفاده از تمامی ظرفیت‌های فرهنگی موجود در جامعه؛ اعم از مدرسه، خانواده، محیط کار و غیره، تأکید شد. ضرورت تفکیک زندانیان مواد مخدر از سایر زندانیان، به منظور پرهیز از جرم‌زایی ناشی از التقاط آنان و تبعات فرهنگی، اخلاقی و به‌ویژه بهداشتی آن، مورد توجه خاص قرار گرفت. حمایت از محکومان خرده‌پای مواد مخدر، که پس از گذراندن محکومیت به حبس آزاد می‌شوند، با هدف کمک به جذب آنان در جامعه و احیای

زندگی خانوادگی آنان که باید همراه با اهدای کمک‌های لازم به خانواده محکومان در دوران سپری کردن مجازات زندان نیز باشد، از مهم‌ترین مطالبی بود که در اجرای یک سیاست جنایی پیشگیرانه، به ویژه مورد توجه و تأیید و تأکید خاص شرکت‌کنندگان در همایش، اعم از داخلی و خارجی، قرار گرفت.

